

آیه ۱۶۸

واژه: خُطُوات: گام‌ها. (جمع خُطوة: فاصله میان دو پا در هنگام راه رفتن)

۷- قانون گذار فقط خداست:

برخی از طوایف عرب قسمتی از زراعت و حیوانات را بر خود حرام کرده بودند (حتی تحریم آن را به خدا نسبت می‌دادند) این آیه نازل شد و آن‌ها را تکذیب نمود. یکی از انواع شرک این است که انسان غیر خدا را قانون گذار بداند، آیات مورد بحث این عمل را یک کار شیطانی معرفی کرده است، در واقع هرچه در برابر دستور خداست حکم شیطان اس، زیرا تنها ملاک شناخت حلال و حرام فرمان خداوند است، از این رو افراط و تفریط در حلال و حرام، یا حرام دانستن حلال و حلال دانستن حرام الهی، «بدعت» و نسبت دادن آن به خداوند «افتراء» است.

پیام: شیطان، انسان را قدم به قدم منحرف می‌کند؛ باید از همان قدم اول مواظبت کرد. (خُطُواتِ الشَّيْطَانِ)

آیه ۱۶۹

واژه: الْفَحْشاء: اعمال منافی عفت، گناهایی که حد شرعی دارد. (از ماده «فُحش» به معنای هر کاری است که از حد اعتدال خارج گردد و صورت قبیح به خود بگیرد).

۸- سخن باید مدرک داشته باشد:

شیطان پس از آن که کسی را به بدی و زشتی واداشت او را که به جاهلانه سخن گفتن عادت داده به تدریج وادار می‌کند تا جاهلانه سخن گفتن را در مسائل اعتقادی اخلاقی، فقهی و حقوقی به مرز بدعت برساند و چیزی را که نمی‌داند با علم و عمد به خداوند نسبت دهد. چنین نسبتی، از بزرگ‌ترین گناهان و در حد کفر است.

اگر مردم مقید باشند که هر سخنی را می‌گویند متکی به یک مدرک قطعی بوده باشد، بسیاری از نابسامانی‌ها و بدبختی‌ها از جامعه بشری برچیده می‌شود. در واقع تمام خرافات در ادیان و مذاهب الهی از همین رهگذر نفوذ کرده است، و قسمت مهمی از انحرافات به خاطر عدم رعایت همین اصل اساسی است.

پیام: شیطان، هم دستور به گناه می‌دهد، هم راه توجیه آن را نشان می‌دهد. فرمان به سوء و فحشاء همان دستور به گناه و فرمان افترا بستن به خدا، دستور به توجیه گناه است. «يَا مُرْكُم ... وَ أَنْ تَقُولُوا»

بسم الله الرحمن الرحيم

آیه ۱۶۴

واژه: اِخْتِلَاف: پی در پی هم بودن، رفت و آمد. (در اصل، به معنای جانشین شدن یکی پس از دیگری است).

۱- نشانه‌های خداوند برای عاقلان:

این آیه یکی از آیات پرمعنا در بیان آیات و نشانه‌های الهی در جهان است. قرآن، به صراحت مردم را به مطالعه در آفاق توصیه کرده و از این منظر وجود خداوند متعال، توحید و ربوبیت وی را اثبات نموده است. علوم مختلفی چون کیهان‌شناسی و نجوم، زمین‌شناسی، پیدایش شب و روز، زیست‌شناسی، کشتی‌سازی و دریانوردی، هواشناسی، کشاورزی و ... با تدبّر در نظم موجود در هر یک از این نشانه‌ها به دست آمده است.

۲- ساخته‌های بشر نیز مخلوق پروردگار است:

در آیه ۱۶۴ بقره وجود کشتی - که ساخته دست بشر است - نیز، مانند سایر موجودات و رخدادهای طبیعی از آیات الهی شمرده شده است. زیرا افعال انسان نیز مانند پدیده‌های طبیعی مظهر قدرت خدا و منسوب به اوست و مستقل از اراده او پدید نمی‌آید. چنانچه در آیه دیگر آمده است: «خدا شما و آنچه را می‌سازید، آفریده است». (صافات/۹۶)

گروهی درباره منشأ اعتقاد به خدا و دین پنداشته‌اند که در گذشته چون بشر برای هر پدیده علّتی می‌جسته و علّت بسیاری از حوادث را نمی‌یافته، به این نتیجه می‌رسیده که خدا آفریننده آن حوادث است، ولی امروزه با پیشرفت دانش و کشف عوامل طبیعی، دیگر جایی برای اعتقاد به خدا نمی‌ماند. بطلان این سخن واضح است؛ زیرا خداپاوران - با وجود علم به علت بسیاری از پدیده‌ها - مجموعه جهان هستی را نیازمند به علت برتر یا مسبب‌الاسباب می‌دانند که بدون اعتقاد به وی، سلسله علل و اسباب، ناقص می‌ماند. بنابراین - حتی اگر بشر به درجه‌ای از دانش برسد که مانند خود را بیافریند (بسازد) - باز نقش پروردگار و خالق یکتا را انکار ننموده است؛ زیرا این توان را نیز از خالق خویش به دست آورده است.

پیام: تنها خردمندان از نگاه در هستی، درس خداشناسی می‌گیرند. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».

آیه ۱۶۵

واژه: اَنَدَادُ: شریک‌ها (جمع نَدَّ)

۳- توحید در محبت:

در این آیه، گروهی از مردم که با وجود نشانه‌های روشن توحید، برای خداوند شریک برگزیده‌اند، ملامت می‌شوند.

آنان شریکان پروردگار را آن‌چنان دوست دارند که می‌بایست پروردگار خویش را دوست می‌داشتند. این محبت و علاقه که به امید کمک و یاری آنان بوده است، در روز قیامت به سود ایشان نخواهد بود و با چشم خویش مشاهده می‌کنند که یگانه مظهر قدرت - که شایسته دوست داشتن و اطاعت است - خداوند متعال است.

در مقابل، مؤمنان محبت بیشتری نسبت به خداوند دارند؛ زیرا با مشاهده نعمت‌های بیکران و کمال مطلق خداوند، شناخت بیشتری نسبت به او پیدا می‌کنند و در سایه این معرفت، محبت و علاقه ایشان نیز بیشتر خواهد شد.

پیام: احساسات باید در رابطه با اعتقادات باشد. «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»

آیه ۱۶۶

واژه: تَبَرَّأَ: بیزاری می‌جوید. (تَبَرَّأَ: اظهار بیزاری و دوری از چیزی)

۳- بیزاری پیشوایان و پیروان کفر از یکدیگر:

در آیات متعددی از قرآن کریم آمده که یکی از عذاب‌های جهنمیان این است که همواره صحنه جدال و نفرین و بیزاری اهل آن نسبت به یکدیگر می‌باشد.

گروهی از مردم که بدون بررسی و تحقیق، پیرو گروهی دیگر گشته و سرپرستی آنان را پذیرفته و در برابر انحرافات آنان سکوت اختیار می‌کنند و گروه دیگر که از جهل و بی‌بصیرتی مردم سوء استفاده کرده و موجب انحراف آنان گشته‌اند، یکدیگر را مقصر اعمال خویش خوانده و از هم بیزاری می‌جویند.

نه قدرت و ریاست پیشین سرمداران به کمک پیروان آنان می‌آید و نه حمایت و اطاعت پیروان به کمک پیشوایان.

پیام: محبت، زمینه پیروی و اطاعت است و بدون آن معنا ندارد. (يُحِبُّونَهُمْ) (اتَّبِعُوا)

آیه ۱۶۷

واژه: حَسَرَات: اندوه‌ها (جمع حَسْرَة: اندوه و غم نسبت به آن‌چه از دست رفته است).

۴- روز حسرت:

یکی از نام‌های قیامت - که در آیه ۳۹ سوره مریم به آن اشاره شده است - «يَوْمُ الْحَسْرَةِ» است. این حسرت و پشیمانی بدین جهت است که همگان با مشاهده حقیقت اعمال خویش و نتیجه آن آرزو می‌کنند که ای کاش به این جهان باز گشته و فرجام بهتری برای خویش رقم می‌زدند.

۵- نمونه حسرت در قیامت:

ذیل عبارت شریف «این چنین خداوند اعمال‌شان را برای‌شان به‌صورت حسرت‌ها مجسم می‌کند»، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «این همان مردی است که مالش را رها کرده و آن را از روی بُخل در طاعت خداوند خرج نمی‌کند، سپس می‌میرد و آن را برای کسی به‌جا می‌گذارد که به طاعت خدا یا نافرمانی‌اش مشغول است. پس اگر (وارث) با آن مال به طاعت خداوند مشغول شود، او (در روز قیامت) آن عمل را در ترازوی دیگری می‌بیند، و حسرت می‌خورد؛ زیرا (آن ثواب، نتیجه) مال او بوده است، و اگر آن (وارث) مال را در نافرمانی خدا خرج کند، (بازهم حسرت می‌خورد، چرا که) او با آن مال وارث را در نافرمانی خدا تقویت کرده است».

۶- جهنم موقتی است یا ابدی؟

در این که عذاب دوزخ همیشگی است یا پایانی دارد، دیدگاه‌ها گوناگون است. دلیل جاودانگی عذاب، آیات متعدد قرآن و روایات فراوانی است که از طریق اهل بیت به ما رسیده است. از جمله آیاتی که عذاب را به‌طور صریح دائمی می‌داند، آیه ۱۶۶ بقره است. البته پس از جمع‌بندی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که اهل جهنم دو دسته‌اند: یک دسته جاودان در دوزخ اند و دسته دیگر مدتی در جهنم به سر برده و پس از آن، از آتش دوزخ خلاصی می‌یابند.

پیام: تا طاغوت‌ها ما را در قیامت رها نکرده‌اند، آن‌ها را در دنیا رها کنیم. «فَتَبَرَّأْ مِنْهُمْ»